

مسائل نذر و عهد

«نذر» آن است که انسان انجام کار نیکی را برای خدا بر خود واجب کند، و یا ترک کاری را که انجام ندادن آن بهتر است برای خدا بر خود واجب نماید.

(مسئله ۱) نذر بر چند قسم است:

۱- نذری که برای شکر نعمت دنیوی یا اخروی باشد، مثلاً بگویند: «از برای خداست بر من که اگر مرا توفیق حج داد یا به من فرزندی عطا نمود فلان کار خیر را انجام دهم»، یا برای شکر ترک گناه یا رفع بلا یا بیماری و یا سایر مشکلات صورت بگیرد، مثلاً بگویند: «از برای خداست بر من که اگر از فلان گناه محفوظ ماندم یا بیمارم شفا یافت فلان عمل خیر را انجام دهم». به این قسم نذر که برای شکرگزاری انجام می‌شود «نذر بر» گفته می‌شود.

۲- نذری که برای زجر و بازداشتن خود از عمل حرام یا مکروه انجام می‌دهد، مثلاً می‌گویند: «از برای خداست بر من که اگر عمداً غیبت کردم یک روز روزه بگیرم». این قسم نذر را «نذر زجر» می‌گویند.

۳- نذری که مطلق بوده و مشروط و معلق به چیزی نباشد، به عنوان مثال بگویند: «از برای خداست بر من که فردا را روزه بگیرم». و به این قسم نذر «نذر تبرعی» می‌گویند.

(مسئله ۲) در نذر، مجرد نیت و قصد کافی نیست و باید صیغه خوانده شود، ولی خواندن به عربی لازم نیست. بنابراین اگر به فارسی یا هر لغت دیگر بگویند: «از برای خداست بر من که اگر بیمارم بهبود یافت فلان کار را انجام دهم» نذر او صحیح است و هنگامی که بیمار بهبود یافت کاری را که نذر کرده بر او واجب می‌شود.

(مسئله ۳) عبارت «برای خدا» به هر زبان که باشد باید در صیغه نذر گفته شود و اگر در قلب آن را نیت کند کافی نیست و نذر واقع نمی‌شود.

(مسئله ۴) نذر کننده باید بالغ و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند، بنابراین نذر کردن کسی که او را مجبور کرده‌اند یا به واسطه عصبانی شدن بی‌اختیار نذر کرده صحیح نیست.

(مسئله ۵) فرد سفیهی که معمولاً مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند چنانچه نذر کند، نذرهای مربوط به مالش صحیح نیست. همچنین است کسی که حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کرده است.

(مسئله ۶) نذر زن بدون اجازه شوهر محل اشکال است، ولی اگر با اجازه شوهر نذر کند شوهر نمی‌تواند آن را به هم بزند یا او را از عمل به نذر باز دارد.

(مسئله ۷) اگر فرزند با اجازه پدر نذر کند باید به آن عمل نماید، بلکه اگر بدون اطلاع و اجازه هم نذر کند بنا بر احتیاط واجب باید به آن نذر عمل کند، مگر اینکه پدر نهی کند و با نهی او عمل از رجحان بیفتد.

(مسئله ۸) پدر یا مادر نمی‌توانند از طرف فرزند خود و بدون اجازه او نذر کنند؛ پس اگر نذر کنند دختر خود را مثلاً به فرد قرشی شوهر دهند و دختر پس از مکلف شدن راضی

نشود نذر آنان اعتباری ندارد.

(مسئله ۹) انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند پیاده به مکه برود اگر نذر کند پیاده برود نذر او صحیح نیست.

(مسئله ۱۰) نذر در مورد کارهایی صحیح است که شرعاً مطلوب باشد، بنابراین اگر نذر کند کار حرام یا مکروهی را انجام دهد یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند نذر او صحیح نیست.

(مسئله ۱۱) اگر نذر کند کار مباحی را انجام دهد یا ترک نماید، چنانچه انجام و ترک آن از هر جهت مساوی باشد نذر او صحیح نیست و اگر انجام آن از جهتی بهتر باشد و انسان به قصد همان جهت نذر کند، به عنوان مثال نذر کند که فلان غذا را بخورد تا برای عبادت نیرو پیدا کند، نذر او صحیح است و نیز اگر ترک آن از جهتی بهتر باشد و انسان به قصد همان جهت نذر کند که آن را ترک نماید مثلاً برای اینکه استعمال دخانیات ضرر دارد نذر کند که آن را استعمال نکند، نذر او صحیح می‌باشد.

(مسئله ۱۲) اگر نذر کند عملی را انجام دهد باید به همان گونه که نذر کرده بجا آورد و تغییر آن جایز نیست، پس اگر نذر کند روز اول ماه صدقه بدهد و یا روزه بگیرد، چنانچه قبل یا بعد از آن بجا آورد کفایت نمی‌کند، همچنین اگر نذر کند وقتی بیمار او خوب شد صدقه بدهد، چنانچه پیش از بهبودی او صدقه را پردازد کافی نیست.

(مسئله ۱۳) اگر نذر کند روزه بگیرد و وقت و مقدار آن را معین نکند گرفتن یک روز روزه کافی است؛ و اگر نذر کند نماز بخواند و مقدار و خصوصیات آن را معین نکند خواندن یک نماز دو رکعتی کفایت می‌کند و اگر نذر کند صدقه بدهد و جنس و مقدار آن را معین نکند باید طوری باشد که بگوید صدقه داده است، همچنین اگر نذر کند کاری را برای خدا بجا آورد انجام هر کار نیکی کفایت می‌کند، مگر اینکه کار خاصی را در نظر گرفته باشد.

(مسئله ۱۴) اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد باید همان روز را روزه بگیرد، و بنابر احتیاط مستحب در آن روز بدون ضرورت مسافرت نکند و چنانچه مسافرت کرد یا مریض شد یا آن روز مصادف با عید فطر یا قربان شد و یا زن خون حیض یا نفاس دید، در آن روز روزه نگیرد و بنابر احتیاط واجب قضای آن را بجا آورد.

(مسئله ۱۵) اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند باید كفاره بدهد و كفاره آن بنابر احتیاط واجب آن است که یک بنده را آزاد نماید یا شصت فقیر را غذا دهد و آنها را سیر کند.

(مسئله ۱۶) اگر نذر کند تا وقت معینی کاری را ترک کند، بعد از گذشتن آن وقت می‌تواند آن کار را انجام دهد و اگر پیش از گذشتن وقت از روی اختیار آن را انجام دهد باید كفاره بدهد. ولی اگر پیش از وقت از روی فراموشی یا ناچاری و یا اشتباه انجام دهد دو صورت دارد:

الف- اگر مقصود نذر کننده این باشد که تا آن وقت معین هر دفعه‌ای از آن عمل را مستقیماً بر خود حرام کند، چنانچه دوباره آن را بدون عذر انجام دهد باید برای هر دفعه به مقداری که در مسأله «۱۵» گفته شد کفاره بدهد، ولی برای مرتبه اول که از روی فراموشی یا ناچاری و یا اشتباه مرتکب شده کفاره لازم نیست.

ب- اگر مقصودش این بوده که صرف‌الوجود آن را بر خود حرام کند نه هر دفعه را جدا جدا، یا شک کند قصدش چگونه بوده، دیگر چیزی بر او نیست و از این پس می‌تواند آن عمل را انجام دهد.

(مسأله ۱۷) کسی که نذر کرده عملی را ترک کند و وقتی برای آن معین نکرده

است، اگر از روی فراموشی یا ناچاری و یا اشتباه آن عمل را انجام دهد کفاره بر او واجب نیست، ولی چنانچه مقصود نذر کننده این بوده که هر دفعه‌ای از آن را مستقلاً بر خود حرام کند، اگر بدون عذر آن را بجا آورد باید برای هر دفعه کفاره بدهد.

(مسأله ۱۸) اگر برای عملی که نذر کرده وقتی معین نکرده است لازم نیست فوراً

انجام دهد، ولی بنا بر احتیاط زیاد تأخیر نیندازد.

(مسأله ۱۹) اگر نذر کند مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد

باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند. همچنین اگر نذر کرده حج بجا آورد یا دیگری را به حج بفرستد و با رسیدن وقت حج و تمکن، آن را ترک نماید و از دنیا برود، باید از مال او آن را انجام دهند.

(مسأله ۲۰) اگر نذر کند به فقیر معینی صدقه بدهد نمی‌تواند آن را به فقیر دیگر بدهد

و اگر آن فقیر بمیرد بنا بر احتیاط مستحب به ورثه او بدهد.

(مسأله ۲۱) اگر نذر کند به زیارت یکی از امامان (ع)، مثلاً به زیارت حضرت

اباعبدالله الحسین (ع)، مشرف شود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود کفایت نمی‌کند و اگر به واسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند چیزی بر او نیست.

(مسأله ۲۲) کسی که نذر کرده زیارت برود، ولی غسل زیارت و نماز آن را نذر

نکرده، لازم نیست آنها را بجا آورد.

(مسأله ۲۳) اگر برای حرم یکی از امامان (ع) چیزی نذر کند باید آن را به مصرف

حرم برساند و اگر برای خود امام (ع) نذر کند و مصرف معینی را قصد نکرده باشد، می‌تواند به خدماتی که مشغول خدمت هستند بدهد یا به فقرا و زوار پردازد و یا مسجد و مدرسه و مانند آن بسازد و یا کار خیر دیگری انجام دهد و ثوابش را هدیه آن امام نماید، چنانکه می‌تواند به مصارف حرم نیز برساند، همچنین است اگر برای یکی از اماکن متبرکه دیگر نذر نماید.

(مسأله ۲۴) گوسفندی را که برای صدقه یا برای یکی از امامان نذر کرده، پشم آن و

مقداری که چاق می‌شود و نیز بنا بر احتیاط واجب شیر و بچه‌ای که از آن به دنیا آمده مربوط به نذر است و باید در همان راه مصرف شود. مگر اینکه عرف شده و هست که فقط گوشت صدقه می‌شود.

(مسأله ۲۵) هر گاه نذر کند اگر مریض او خوب شود یا مسافر او بیاید عملی را انجام

دهد، چنانچه معلوم شود که پیش از نذر کردن مریض خوب شده یا مسافر آمده است عمل کردن به نذر لازم نیست.

(مسئله ۲۶) هر گاه نذر کند مالی را در راه معینی مصرف کند و قبل از انجام آن از دنیا برود، بنابر احتیاط واجب وصی او آن مال را به مصرف تعیین شده برساند، ولی اگر نذر کرده تا زنده است خودش در هر سال مقدار معینی از مال را در راه معینی مصرف کند، پس از مردن او ادامه آن واجب نیست.

(مسئله ۲۷) اگر نذر کرده مقدار معینی از مال را به مصرف خاصی برساند و آن مصرف را فراموش کرده و بین چند مصرف مردد باشد، باید در هر یک از آن مصرفها همه آن مقدار را صرف نماید و در صورتی که مصرف را فراموش نکرده ولی مقدار معینی از مال را فراموش کرده باشد، هر مقدار آن را که یقین دارد مصرف نماید. و اگر عملی را نذر کرده و مردد بین چند عمل باشد، باید همه آن اعمال را انجام دهد و در صورتی که مقدار عمل را فراموش کرده هر اندازه را که یقین دارد انجام دهد.

(مسئله ۲۸) در «عهد» نیز مانند «نذر» باید صیغه خوانده شود و نام خدا بر زبان جاری شود، به این صورت که بگوید: «با خدا عهد کردم که فلان کار را انجام دهم». همچنین کاری را که عهد می کند انجام دهد باید انجام آن بهتر از ترک آن باشد، بلکه اگر کار مباحی باشد که انجام و ترک آن مساوی است بنابر احتیاط آن را انجام دهد.

(مسئله ۲۹) هر گاه با خدا عهد کند که کار خیری را انجام دهد آن عمل مطابق عهدی که کرده بر او واجب می شود و چنانچه به عهد خود عمل نکند باید به عنوان کفاره یک بنده آزاد نماید یا شصت فقیر را سیر کند یا دو ماه روزه بگیرد.

(مسئله ۳۰) اگر برای تخلف نذر یا قسم یا عهد خود کفاره ای معین کند، به عنوان مثال بگوید: «با خدا عهد کردم که دیگر سیگار نکشم و اگر کشیدم صد تومان صدقه بدهم»، در صورت تخلف باید تنها آنچه را معین نموده انجام دهد و کفاره دیگری واجب نیست.